



## پیوند زهد و حدیث در کتاب الزهد ابن مبارک

(صفحة ۱۰۵-۱۳۰)

علی مهمان نواز<sup>۱</sup>

دکتر سید محمدباقر حجتی<sup>۲</sup>

دکتر مهدی مهریزی<sup>۳</sup>

دریافت: ۱۳۹۵ / ۲ / ۱۵

پذیرش: ۱۳۹۵ / ۵ / ۱۷

### چکیده

زهد به مثابه یک شیوه زندگی و یک نحوه سلوک اخلاقی در دو سده نخست هجری در بومهای گوناگون جهان اسلام رواج داشت. در این میان، ابن مبارک نخستین کسی بود که به گردآوری و دسته‌بندی روایات زهد پرداخت. وی محدثی بود که کوشید اندیشه‌های زاهدانه را بر پایه روایات نظم بخشد و نظریه‌مند کند. آشنایی وی با اندیشه‌های زاهدانه گوناگون و دیگر مکاتب اخلاقی رایج در بومهای مختلف سبب شد وی در تبیین شیوه زهد سازگار با سنت اسلامی منابعی گسترده داشته باشد و از این رو، نظریه‌ای پذیرفتنی برای طیفهای گوناگون گراینده به زهد باز نماید. در این مطالعه بناست با شناسایی جریانهای زهد هم‌عصر ابن مبارک، ردّ هر یک از آنها را در روایات کتاب **الزهد** وی بازجوییم. چنان که خواهیم دید، وی نخستین کسی است که توانسته است معارف بومی زهد مکاتب مختلف را در هم آمیزد و اندیشه‌ای فرابومی باز نماید.

**کلید واژه‌ها:** تاریخ اخلاق اسلامی، تاریخ زهد، مکاتب بومی جهان اسلام، سفیان ثوری، بصره، کوفه، حجاز، شام.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. دانشیار علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## درآمد

در دو سده نخست هجری گرایش به سلوک زهدآمیز و اخلاق محور میان مسلمانان رواج داشته است. این شیوه سلوک در بومهای مختلف جهان اسلام، شکل‌های مختلفی به خود گرفته بود و در هر منطقه از جهان اسلام، شیوه‌ای متفاوت از زهد ترویج می‌شد (برای اشاره بدین معنا، رک: پاکتچی، «اخلاق دینی»، ۲۲۳-۲۲۹). برای نمونه، در مدینه زهد نسبتی خاص با اعمال فقهی پیدا نموده بود؛ چنان که زهد را در به جای آوردن واجبات دینی و پرهیز از محرّمات می‌جستند (رک: ابونعیم، ۱۶۲/۲).

در مکه اندرز دهندگانی که قُصّاص نامیده می‌شدند، آموزشهای اخلاقی خود را با نقل داستانهای عبرت‌آمیز و تفسیر قرآن همراه می‌کردند (ابن سعد، ۵/۳۴۱؛ ابن ماجه، ۲/۱۲۳۵). در کوفه نیز جریانی رواج داشت که اخلاق فردی را در تزکیه نفس و عبادت، و اخلاق اجتماعی را در عدالت‌خواهی می‌جست؛ جریانی که امتداد حلقه اصحاب علی (ع) بود (رک: نصر بن مزاحم، ۲۳۲؛ طبرسی، ۱/۲۹۷).

در بصره نیز گرایش به دنیاگریزی و عبادت‌ورزی گسترده بود. شاخص زهدگرایی بصره، احنف بن قیس است که اندرزها و آموزشهای اخلاقی او را در منابع مختلف می‌توان بازشناخت (برای نمونه، رک: ابن مسکویه، ۱۲۲-۱۳۲؛ زمخشری، ۲/۹۹-۱۱۹). در شام نیز عالمانی همچون اوزاعی (۸۸-۱۵۷ق) در بُعد فردی سلوک اخلاقی بر ورع تکیه می‌کردند و از دیگر سو، در اصلاح طلبیهای اجتماعی نیز تا بدانجا پیش می‌رفتند که خلیفه را خطاب و وعظ کنند (رک: ابونعیم، ۶/۱۳۵-۱۴۰؛ ذهبی، میزان الاعتدال، ۱/۱۸).

هنوز دانسته نیست از چه زمان این کوششهای پراکنده و تا حدودی متفاوت، همگی نام زهد به خود گرفت و از یک سنخ شناخته شد. باینحال، تا جایی که شواهد تاریخی نشان می‌دهند، کهن‌ترین اثری که این عنوان را دربر دارد، کتاب *الزهد ابوحمزه ثمالی*

د (۱۵۰ق) عالم شیعی از شاگردان امام زین العابدین و صادقین (ع) است (سزگین، ۲/ ۱۳۶)؛ اثری که البته از میان رفته، و به ما نرسیده است؛ اما عنوانش گویا ست که دستکم در میانه سده ۲ق، زهد همچون یک شیوه زندگی پذیرفته در جهان اسلام شناخته می‌شده، و جریانی برای ترویج آن شکل گرفته بوده است.

در پی‌جویی شواهد این جریان، با مروری بر آثار دربر دارنده همین عنوان می‌توان دریافت نگارش در باره زهد که از نیمه سده ۲ق آغاز گردیده، تا حدود نیمه‌های سده ۵ق به نحو مستمری دنبال شده، و به تألیف دستکم ۱۰۰ اثر در این باره انجامیده است (برای فهرستی از دیگر آثار با همین عنوان در پنج سده نخست هجری، رک: اعظمی، ۱۱ بیه فرید، ۴۶-۵۲؛ عرفانیان، ۵). با فاصله کمی از آغاز این جریان، کتاب الزهد ابو‌عبدالرحمان عبدالله حنظلی مروزی (د ۱۸۱ق) — مشهور به ابن مبارک — نخستین اثر بازمانده کامل در باره زهد است.

### طرح مسأله

با مروری بر مضامین مرتبط با زهد در نوشته‌های چند سده نخست هجری، می‌توان دریافت به طور کلی دو سنخ مطلب در این آثار مندرج می‌گشته است. برخی از این کتابها، احادیث و روایاتی را به نقل از پیامبر اکرم (ص) و بزرگان دین در باره شیوه زندگی زاهدانه نقل کرده، و برخی دیگر نیز، حکایاتی از اقوال و رفتار زاهدان بزرگ را در خود جای داده‌اند. از قبیل سنخ اول، می‌توان به روایاتی اشاره کرد که در لابه‌لای مباحث فقهی اثری همچون موطأ مالک بن انس دیده می‌شود (برای تنها یک نمونه، رک: مالک بن انس، ۲/ ۹۰۲). از قبیل سنخ دوم نیز، حکایاتی را می‌توان یاد کرد که به نقل از شخصیت‌هایی مثل حسن بصری در آثاری همچون طبقات ابن سعد جای گرفته است (برای نمونه، رک: ابن سعد، ۷/ ۱۱۷-۱۲۰).

با مرور کتاب *الزهد* ابن مبارک می‌توان دریافت که محتوای آن از قبیل هر دو سنخ است؛ یعنی روایاتی نبوی، و اقوال و حکایاتی از صحابه و تابعین و اتباع تابعین را در این اثر می‌توان بازیافت. بالینحال، چنان که عناوین ابواب مختلف اثر نیز نشان می‌دهند، بحثهای آن تا حدود زیادی پراکنده و متفاوتند؛ آن سان که به‌سختی می‌توان دریافت چرا باید همه اینها ذیل عنوان کلی «زهد» جای گیرند.

این مطالعه در کوشش برای یافتن پاسخی به همین پرسش صورت گرفته است. می‌خواهیم بدانیم که اولاً، در میان ابواب و موضوعات پراکنده در کتاب *الزهد* ابن مبارک چه وحدت موضوعی می‌توان یافت؛ آیا می‌شود این پراکندگی را تحت عناوینی شاخص و جامع گنجانند و بر آن پایه، اصلی‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی زاهدانه را بازشناخت، یا نه. ثانیاً، می‌خواهیم بدانیم که هر گاه این مؤلفه‌ها بازشناسی شد، آیا می‌توان ردّ هر یک را در مکاتب بومی جهان اسلام پی جست و دریافت هر یک از این مکاتب چه اثری بر اندیشه زاهدانه ابن مبارک نهاده‌اند، یا نه. ثالثاً، می‌خواهیم بدانیم که ابن مبارک افزون بر بهره‌جویی از مکاتب بومی مختلف، خود چه ابتکاراتی داشته، و کدام دیدگاههای بازتاب یافته در کتاب *الزهد* وی نتیجه سلوک فکری خود او است.

### ۱. آشنایی با ابن مبارک

ابن مبارک (۱۱۸-۱۸۱ق) فقیه، محدث و ادیب خراسانی سده ۲ق است. در وصفش گفته‌اند تاجری متمول بوده است اهل مرو که در ضمن سفرهای تجاری گسترده به سماع حدیث نیز پرداخته، و دغدغه‌های علمی خود را نیز دنبال کرده است (رابسن<sup>۱</sup>، ۸۷۹). بر پایه گزارشهای پراکنده در باره وی، او در طلب حدیث از خراسان به عراق و حجاز و شام و مصر و یمن سفر کرده (ابن سعد، ۷/ ۳۷۲)، نزد فقیهان برجسته‌ای از تابعین

1. Robson

همچون ابوحنیفه، سفیان ثوری و مالک بن انس دانش آموخته، و از محدثان بزرگی که شمارشان در گفته‌ای منسوب به خود وی بالغ بر ۴,۰۰۰ نفر بوده، حدیث شنیده، و از ۱,۰۰۰ تن از ایشان روایت کرده است (ذهبی، تذکره، ۱/ ۲۰۳؛ نیز برای تفصیل بحث از شواهد حیات وی، رک: مایل هروی، سراسر اثر). گاه وی را با لقب «شاهنشاه» نیز وصف کرده‌اند (ابونعیم اصفهانی، ۱/ ۱۶۲) که سبب آن دانسته نیست.

### الف) جایگاه علمی ابن مبارک

ابن مبارک به عنوان یک فقیه برجسته در منطقه خراسان مورد توجه بوده، و آراء او در کتب فقهی متقدم آن منطقه مکرر ثبت شده است (رک: مروزی، ۲۳-۲۴، ۳۸-۳۹؛ سرخسی، ۱/ ۲۶، ۲/ ۲۷۳). وی گرچه در شمار اصحاب حدیث بوده، ظاهراً از نخستین شاگردان ابوحنیفه محسوب می‌شده (عبّادی، طبقات الفقهاء الشافعیة، ۱-۲)، و گرایش آشکار به شخصیت ابوحنیفه نیز داشته است (رک: ابن ندیم، ۲۵۵ شعر وی در مدح ابوحنیفه). سلوک اخلاقی او نیز چنان بوده است که صوفیان متأخرتر، از وی همچون یکی از مشایخ متقدم خویش یاد نموده، و به اقوال و آثارش استناد جسته‌اند (رک: هجویری، ۱۱۷؛ عبّادی، مناقب الصوفیه، ۷۵-۷۶؛ عطار نیشابوری، ۱/ ۱۷۹-۱۸۰).

باینحال، بارزترین جلوه شخصیت ابن مبارک در سده‌های بعد، حدیث او بوده است. عموم عالمان حدیث او را شخصیتی موجه، ثقه (رک: ابن سعد، ۷/ ۳۷۲؛ ابن ابی حاتم، ۱/ ۲۶۲)، و کثیر الحدیث (ابن عساکر، ۵۲۲) می‌شناخته‌اند (برای ستایشها از وی همچون یک محدث، رک: نووی، ۱/ ۲۸۵-۲۸۶). روایات وی را می‌توان در معتبرترین آثار حدیثی عامه مسلمانان — همچون صحیح بخاری (۱/ ۱۷۳، ۲/ ۹۴، جم) و صحیح مسلم (۱/ ۱۲، ۱۴، جم) — و بسیاری از آثار حدیثی دیگر بازجست. گاه به آرای وی در جرح و تعدیل راویان هم استناد کرده‌اند (برای نمونه، رک: همو، ۱/ ۲۰؛ ابن ابی حاتم، ۱/ ۸۲، ۹۶، جم).

ابن مبارک در کنار شخصیت‌هایی مثل مالک بن انس، ابن جریر، ابن ابی‌عروب، سفیان ثوری، اوزاعی، و امثال آنها از نخستین کسان دانسته شده است که در جای‌جای جهان اسلام به تدوین آثار پرداختند و روایات مرتبط با هر موضوعی را در آثار خویش انسجام بخشیدند (عبدالباقی، ۴).

### ب) آثار ابن مبارک

عناوین برجای مانده از آثار وی محدودند: کتاب *الزهد*، کتاب *الجهاد*، *المسند* و کتاب *البر و الصلة*. با نظر به اثری کهن مثل *فهرست ابن ندیم* (ص ۲۸۴)، عناوین معدودی می‌توان به این شمار افزود: کتاب *السنن*، کتاب *التفسیر*، و کتاب *التاریخ*؛ عناوینی که چه بسا برخی از آنها، نام دیگری برای همین آثار بازمانده از وی باشند؛ مثلاً کتاب *السنن*، همان باشد که اکنون به نام کتاب *الزهد* شناخته می‌شود.

به هر روی، قدر مسلم آن است که وی گرچه کثیر الروایه بوده، هرگز کثیر التالیف نبوده است. افزون بر این، به نظر می‌رسد که نگارش این آثار، ارتباط مستقیمی با کوشش‌های اجتماعی او داشته است. برای نمونه، چنان که می‌دانیم، وی فراتر از تألیف کتاب در باره فضیلت جهاد، خود نیز به جهاد می‌رفته، و درگذشت او نیز در یکی از همین سفرهای جهادی روی داده است (ابن سعد، ۷ / ۳۷۲).

هر گاه قرار باشد که بیش از این در باره اندیشه‌ی وی بدانیم، لازم خواهد آمد که با تحلیل محتوای تک تک آثار وی و مقایسه آنها با نمونه‌های مشابهشان در این زمینه گامی برداریم. تا کنون تلاشی بدین منظور صورت نگرفته، و بر این پایه، هنوز تا شناخت اندیشه‌های ابن مبارک راه درازی در پیش است.

### پ) روایات وی در باره زهد

کتاب *الزهد* وی همچنان که از نخستین نمونه‌های بازمانده تدوین حدیث به شمار می‌رود، در عمل نیز، منبعی مهم و اصلی برای تدوین آثار بعدی در این باره شده است.

موضوع این اثر، ضرورت دوری جستن از نعمتهای دنیوی و کوشش برای به حداقل رساندن بهره‌ها در طول زندگی، به امید حصول رضایت خدا و دریافت پاداش در زندگی پس از مرگ است. ابن مبارک در این اثر می‌کوشد با تأکید بر ضرورت تذکر و تفکر، اشخاص را به یادکرد جایگاهشان در این دنیا دعوت کند؛ جایگاهی که اگر به درستی درک شود، افراد به عبادت و ذکر پنهان، و هم حزن و بکاء روی خواهند آورد.

این تأکید با سفارشهایی در باره شیوه صحیح مراقبت بر اعمال و رفتار روزمره دنبال می‌شود؛ رفتارهایی مثل انتخاب همنشین، تواضع، دوری از ریا و غرور، مطالبه اندک از بهره‌های دنیا و کوچک شمردن آن، رضایت از زندگی، قناعت، فقر، راست‌گویی، دانش‌جویی، آشتی‌افکنی، صبر، پشیمانی از خطاها، و دوستی ورزیدن با مؤمنان. سرآخر، کتاب *الزهد* با توصیف نعمتهای بهشت و عذابه‌های جهنم پایان می‌پذیرد.

تا کنون محتوای این اثر با دیگر آثار کهن در باره زهد مقایسه نشده، و مطالعه‌ای تطبیقی بدین منظور صورت نگرفته است؛ آثار دیگری همچون کتاب *الزهد* معافی بن عمران موصلی (د ۱۸۵ق)، کتاب *الزهد* وکیع بن جراح (د ۱۹۷ق)، کتاب *الزهد* آسنه السنه (د ۲۱۲ق)، و کتاب *الزهد* احمد بن حنبل (د ۲۴۱ق). بالینحال، می‌توان با مروری ساده بر عناوین ابواب این آثار به ترتیب تاریخی، دریافت که ابن مبارک بیش‌تر به تبیین مبانی زهد و ترویج تفکر زاهدانه گرایش داشته؛ اما هر چه زمان گذشته، ترویج عمل زاهدانه و ذکر نمونه‌ها و الگوهای کاربردی برای چنین عملی محوری‌تر تلقی شده است.

روایات ابن مبارک در باره زهد، پس از وی نیز مورد توجه محدثان مختلف قرار گرفته، و در ضمن آثار حدیثی فراوان و مهمی درج شده است. از جمله، در اغلب صحاح سته می‌توان این روایات را در ضمن ابواب مختلف کتب فقهی و اخلاقی سراغ گرفت (برای نمونه، رک: ترمذی، شم ۲۳۰۴، ۲۲۳۴، ۲۳۴۷؛ نیز برای نمونه‌های از

روایات وی در کتب حدیثی شیعیان، رک: ابن بابویه، ۱۹۸).

## ۲. دسته‌بندی روایات اثر

کتاب *الزهد* ابن مبارک شامل ۹۱ باب در مسائل مختلف اخلاق فردی و اجتماعی است. هر یک از این بابها دربر دارنده چندین حدیث است که موضوع آن باب را از جهات مختلفی توضیح می‌دهند. ابواب مختلف اثر در چینش کنونی‌شان از ترتیبی منطقی و متناسب موضوع بحث پیروی نمی‌کنند. باینحال، اگر برای دسته‌بندی ابواب و گنجاندن هر چند باب ذیل عنوانی جامع‌تر اقدام شود، خواهیم دید که گنجاندن روایتها در این اثر، با هدف ترویج اندیشه‌ای خاص انجام گرفته است.

### الف) آمادگی ذهنی برای زهد

یک محور بحث در این اثر، ایجاد قابلیت‌های ذهنی برای پذیرش سبک زندگی زاهدانه است. ابن مبارک بدین منظور ابوابی چند را در اثر خویش می‌گنجاند. از جمله، بابی با عنوان «الاعتبار و التفکر» (ص ۱۱۷) پدید آورده است که در آن بر ضرورت تفکر در کار جهان و عبرت جستن از آن تأکید می‌کند. وی در این باب از اثر، با نقل حکایاتی از عیسی (ع) و بزرگان صحابه و تابعین همچون ابودرداء، ابن عباس، محمد بن کعب قُرظی و حس بصری در تبیین این معنا می‌کوشد که اندیشیدن، بهتر از عبادات ظاهری است. همین مضمون در ابواب دیگری از اثر مثل باب «التفکر فی اتباع الجنائز» (همان، ۱۰۷) نیز دنبال می‌شود؛ آنجا که تفکر در پدیده مرگ را شیوه‌ای برای عبرت‌گیری و خشوع در مقابل خدا می‌شناساند.

قابلیت ذهنی دیگر که برای زهدورزی در شخص تقویت باید بشود، امیدواری به رحمت خداوند است. وی گذشته از آن که بحث خود را در این اثر با یادکرد روایاتی برای تشویق به طاعت خدا آغاز کرده (ص ۴۹)، بابی مستقل را نیز به یادکرد رحمت



خداوند اختصاص داده است (ص ۲۶۸). همین محور بحث را می‌توان در ابواب دیگری مثل باب «العمل و الذکر الخفی» (ص ۸۱)، باب «تعظیم ذکر الله» (ص ۹۸)، باب «فضل ذکر الله» (ص ۲۸۶) و مانند آن هم بازجست. بر این پایه، می‌توان گفت که ابن مبارک معتقد است برای زندگی زاهدانه نخست باید در کار جهان نگریست و از تلخی آن عبرت گرفت. آن گاه در اوج این تلخکامی، از امیدواری به رحمت خداوند نیز غفلت نورزید و اطمینان داشت که می‌توان با هوشیاری نسبت به فریبهای دنیا و فرار از آنها، به یاری خدا از این مرحله سلامت گذشت.

#### ب) دنیاگریزی

محور دیگر بحث در این اثر، نحوه فرار از گرفتاریهای دنیوی است. ابن مبارک این گریز را تنها با پرهیز کامل از گناه و لذتهای حرام تحقق‌پذیر می‌داند. از نگاه وی برای ترک گناه، یادآوری مقام خدا و خوف از او نافع است (ص ۸۵)؛ همچنان که اندیشیدن به عواقب اعمال (ص ۶۵)، کَثَرَتْ تَضَرُّعٌ و بُكَاءٌ و اِنَابَةٌ (ص ۷۸)، و فرار از گناه (ص ۱۲۱).

فراتر از این، وی معتقد است که حتی از لذتهای حلال دنیا نیز باید گریخت و تا می‌شود از تنعم و بهره‌مندی در آن دور ماند (ص ۲۳۴). آرزوهای دراز دنیوی حتی اگر به خواسته‌هایی مشروع تعلق گیرند، مذمت شده‌اند (ص ۱۰۹). اگر کوششهایی معنوی و ارزشمند مثل طلب علم با هدف دنیوی دنبال شوند، بی‌ارزش، و حتی ضد ارزشند (ص ۵۹)؛ چه رسد به آن که شخص کوششهای مباح را بخواهد با چنین هدفی پی گیرد (ص ۱۷۳). بدین سان، در طلب ساز و برگ دنیا باید به حد اقل کفاف قناعت کرد (ص ۱۹۸)؛ چه، اگر دنیا نزد خدا ارزشی داشت به کافران نمی‌داد (ص ۱۷۵).

#### پ) ملکات و اعمال نیکو

در کتاب الزهد ابن مبارک بر این معنا نیز تأکید می‌رود که شخص باید افزون بر

کسب آمادگی ذهنی برای زندگی زاهدانه با تفکر در کار جهان، و افزون بر گریختن از حرامها، بلکه حلالها و مباحات دنیا، برای آراستن خود به ملکات و صفات نیکوی اخلاقی نیز بکوشد و رفتاری نیکو نیز، در پیش گیرد؛ همچنان که باید از ملکات و رفتارهای قبیح دوری جوید.

بدین منظور، گاه از ملکات اخلاق فردی مثل توکل (ص ۱۵۱)، بخل (ص ۲۱۳)، اخلاص (ص ۹۳)، قناعت جستن (ص ۱۸۹) و تن دادن به سبک زندگی فقیرانه (ص ۱۹۰) بحث کرده است و گاه، از ملکات اخلاق اجتماعی؛ ملکاتی زشت یا نیکو همچون حفظ زبان (ص ۱۳۸)، ریاکاری (ص ۱۵۷)، تواضع (ص ۱۴۳)، و دروغ‌گویی (ص ۲۲۹).

در سخن از کارهای نیک و بد نیز، شیوه وی مشابه است؛ هم از کارهای نیکوی فردی همچون ذکر پنهان (ص ۸۱) یا اصناف عبادات (ص ۷۱) سخن گفته است و هم از اعمال اخلاقی اجتماعی همچون دوست‌یابی (ص ۱۳۵)، صدقه (ص ۲۰۹)، احسان به یتیمان (ص ۲۱۲)، و آشتی‌افکنی میان افراد (ص ۲۳۰).

### ۳. جریانهای مؤثر بر شکل‌گیری اندیشه ابن مبارک

مؤثرترین شیوه برای دست یافتن به سرچشمه‌های اندیشه زاهدانه ابن مبارک، تحلیل دیدگاهها و آموزشهایش در مقایسه با دیدگاهها و آموزشهای استادان او است. وی در شهرهای مختلف نزد صاحبان مکاتب مختلفی درس‌آموزی کرده، و از آن مکاتب اثر پذیرفته است. حدود ۵۰ درصد از روایات کتاب *الزهد* به نقل از ۱۵ شیخ اصلی، و باقی روایات آن به نقل از شیوخی پراکنده و پرشمار است.

نسبت روایات شیوخ ۱۵ گانه اصلی هم از این قرار است: سفیان ثوری ۲۵ درصد، معمر بن راشد ازدی و عبدالله بن لهیعة حدود ۱۰ درصد، شعبه بن حجاج، سفیان بن

عَیْنَه، عبدالرحمان اوزاعی، سلیمان بن مُغیره، یحیی بن ایوب، رشدین بن سعد، مَسْعَر بن کدام، و مُبارک بن فَضاله، هر یک حدود ۵ درصد، و سرآخر، ابوالاشهب جعفر بن حیان، حَمَّاد بن سَلَمَه، جَریر بن حازم، و اسماعیل بن عَیَّاش نیز، هر یک مقادیری کم‌تر از ۵ درصد (رک: مهمان‌نواز، فصل ۳-۱-۱).

بر پایه این آمار نخست باید بر این تأکید کرد که جایگاه استادان کوفی به طور کلی، و خاصه، سفیان ثوری در شکل‌گیری زهد ابن مبارک، جایگاهی استثنایی در میان شیوخ است. ثوری تعیین‌کننده‌ترین نقش را در تأمین منابع نقلی زهد ابن مبارک داشته است. در فراهم کردن منابع نقلی برای اندیشه زاهدانه ابن مبارک، شیوخ بَصْرَی در جایگاه بعدی قرار دارند؛ امری که در جای خود محتاج تحلیل است.

#### الف) مکتب زاهدانه ثوری در کوفه

سفیان بن سعید ثوری (د ۱۶۱ق) — فقیه زهدگرای کوفه — در سلوک اخلاقی خویش به دنیاپرهیزی زاهدانه در عین مشارکت‌جویی در اصلاح امور اجتماعی پای‌بند بود (برای وی، رک: راداتس<sup>۱</sup>، سراسر مقاله). اندیشه اخلاقی وی را می‌توان در چندین وصیت بازمانده از او خطاب به عبّاد بن عبّاد خَوَّاص عَتَکی (ابن ابی‌حاتم، ۱/ ۸۶-۸۹؛ ابونعیم، ۶/ ۳۷۶-۳۷۷) و علی بن حسین سلیمی (همان، ۷/ ۲۴-۲۵، ۳۵) مشاهده کرد. بر پایه این وصایا، وی مردم را به کوشش برای کسب حلال با پرهیز از زیاده‌روی در بهره‌مندیهای دنیوی می‌خوانده است.

وی را برجسته‌ترین فقیه کوفه در زمان خویش خوانده‌اند (ابن عدی، ۷/ ۲۴۷۶). فقیهان سرشناس پرشماری نیز در میان شاگردان وی دیده می‌شوند که هم اینان، مروجان اندیشه فقهی و تفکر اخلاقی وی هستند (برای فهرستی از ایشان، رک: پاکتچی، «ثوریه»، ۱۳۷). بسیاری از این شاگردان خود صاحب اندیشه فقهی مستقل بوده، و لزوماً مقلدان

مبانی و روش ثوری در فقه به شمار نمی‌رفته‌اند. به‌عکس، عمده آنان در سلوک زاهدانه از وی تبعیت کرده‌اند. ابن مبارک خود از جمله همین شاگردان است.

نخستین تدوینگران آثار در باره زهد را در میان همین قبیل شاگردان سفیان ثوری باید جست. افزون بر ابن مبارک، دیگر شاگردان وی نیز در کوفه همزمان به تألیف آثاری با این موضوع پرداختند و آثاری مبتنی بر روایات و با عنوان مشترک «الزهد» پدید آوردند. از این جمله می‌توان کتاب *الزهد* و *کیع بن جراح* (چ مدینه، مکتبه الدار، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م به کوشش عبدالرحمان فریوایی)، و همچنین، اثری با همین عنوان از محمد بن فضیل ضبّی (رک: ذهبی، *سیر اعلام النبلاء*، ۱۷۳ / ۹) را نام برد.

#### ب) مکاتب بصره

در سراسر سده ۲ق، بصره یک مرکز فرهنگی مهم در جهان اسلام، و جولانگاه مکاتب فکری مختلف بود؛ مکاتبی که در عصر تابعین پا گرفتند و به‌مرور، گسترش یافتند (برای آشنایی با این مکاتب، رک: پاکتچی، «تصوف در بصره»، ۲۲۰-۲۲۲). از این میان، دو مکتب رقیب شاخص‌ترند؛ مکتب خوف‌گرای حسن بصری (د ۱۱۰ق)، و مکتب اهل رجاء ابن سیرین (د ۱۱۰ق). در حدود نیمه‌های سده ۲ق که ابن مبارک برای فراگیری فقه به عراق کوچید (رک: ذهبی، *سیر*، ۳۷۹ / ۸ آغاز تحصیل علم در ۲۰ سالگی و در خراسان)، گرچه این هر دو از دنیا رفته بودند، اما شاگردان برجسته آنها امتدادبخش مکتب فکری‌شان بودند. ابن مبارک شاگرد عالمان برجسته این هر دو مکتب شد و بدین سان، تعالیم هر دو را دریافت (رک: سطور پسین).

در تعالیم حسن بصری بر انزوا گزیدن از عامه مردم، پرهیز از مزاح، اجتناب از کوشش برای دنیا، و عبادت‌ورزی، جدیت و حزن تأکید می‌رود. از نگاه وی هیچ چیز به اندازه حزن و اندوه نمی‌تواند فرد را به راه سعادت بازآورد (رک: ابن سعد، ۱۱۷ / ۷؛ ابونعیم، ۱۳۱ / ۲). تعلیم اساسی حسن این بود که مؤمن میان دو خوف قرار دارد؛ خوف

از عاقبت گناهان گذشته، و خوف از اجلی که به زودی فرا خواهد رسید (رک: ابونعیم، ۲/ ۱۰۸؛ برای تفصیل بحث در باره اندیشه اخلاقی وی، رک: شمس، حاج منوچهری، سراسر هر دو مقاله).

شخصیتهای مختلفی از شاگردان حسن بصری در انتقال تعالیم وی به ابن مبارک ایفای نقش کرده‌اند. از میان شخصیتهای متعددی با این وصف، می‌توان جریر بن حازم (د ۱۷۰ق)، جعفر بن حیان (د ۱۶۵ق)، و مبارک بن فضاله (د ۱۶۵ق) را یاد کرد که ارجاعات ابن مبارک به مرویات ایشان از حسن بصری در کتاب *الزهد*، بسیار است (برای نمونه، رک: ابن مبارک، ۶، ۷، جم).

ابن سیرین، عالم دیگر بصره هم، سبک زندگی مشابهی را ترویج می‌کرد؛ اما شیوه وی تا حدودی با حسن بصری متفاوت بود؛ شیوه‌ای که اغلب آن را در تقابل با «زهد» حسن بصری، «ورع» نامیده‌اند (رک: احمد بن حنبل، ۲۸۲). در آثار بازمانده از آن عصر همچون *طبقات ابن سعد* (۷/ ۱۶۲-۱۶۳)، تقابل گرایشهای زاهدان بصری به خوف یا رجا، در قالب تقابل حسن بصری و ابن سیرین بازنموده شده است (برای تقابلهای فکری و سیاسی این دو و جدایی آنها در سالهای آخر عمر، رک: گذشته، ۷۳۵).

آن سان که مَورِق عَجلی — تابعی معاصر وی — بیان داشته، شیوه ابن سیرین در آمیختن ورع با فقه بوده است (رک: ابن ابی شیبه، ۸/ ۲۰۸). وی خلاف حسن، بیش از هر چیز بر ضرورت امیدواری به رحمت خدا تأکید می‌کرد. با کنار نهادن سخت‌گیریهای اخلاقی، حُزن و گرفته‌رویی را نمی‌پسندید و شوخ طبعی و گشاده‌رویی را نیک می‌شمرد، اشتغال به کسب و کوشش برای طلب دنیا را با رعایت ورع، بر دوری‌گزیدن از کسب و مداومت بر عبادت و نماز ترجیح می‌نهاد (رک: ابن سعد، ۷/ ۱۱۷-۱۲۰، ۱۶۲؛ ابونعیم، ۲/ ۲۷۴-۲۷۵).

از میان اصلی‌ترین مروجان تعالیم مکتب وی — ایوب سختیانی (د ۱۳۱ق)، یونس

بن عبید (د ۱۳۹ق) و عبدالله بن عون مُزنی (د ۱۵۰ق) — به هنگام ورود ابن مبارک به بصره تنها عبدالله بن عون زنده بود (برای جایگاه این سه در ترویج آموزه‌های ابن سیرین، رک: ابن سعد، ۷/ ۱۶-۲۴؛ ابونعیم، ۳/ ۱۵-۱۶). این را می‌توان با نظر به فهرست مشایخ بصری ابن مبارک دریافت؛ چه، بر پایه این فهرست، ورود او به بصره اندکی از ۱۳۹ق بوده است (رک: پاکتچی، *جریانهای تصوف... ۷۲*). باری، ابن مبارک نزد عبدالله بن عون شاگردی کرد و بدین سان، با آموزه‌های مکتب ابن سیرین آشنا شد (ابن مبارک، ۱۶، ۴۵، ۵۷، جم).

سرآخر، باید از دیگر عالم بزرگ بصره در نسلی پیش از استادان ابن مبارک یاد کرد؛ یونس بن عبید (د ۱۳۹ق)، که خود از شاگردان حسن بصری و ابن سیرین است و می‌توان ردّ اندیشه‌های هر دوی اینان را در آرای وی بازشناخت. وی بیش از هر چیز بر فضیلت اشتغال به کار برای کسب روزی حلال و «درهم طیب» تأکید می‌کرد (رک: ابن جعد، ۲۰۴) و با رفتارهایی مثل کثرت صیام همراه با افطار بر حرام یا کثرت عبادت هنگام اشتغال ذمه به حق دیگران مخالفت می‌ورزید (رک: ابونعیم، ۳/ ۱۹). اندیشه‌های وی گذشته از آن که به واسطه شاگردانی همچون سلیمان بن مغیره به ابن مبارک رسیده بود (رک: ابن مبارک، ۶۲)، فراتر از بوم بصره، عالمان عراقی دیگری از نسل استادان ابن مبارک — همچون ثوری — را نیز متأثر کرده بود (همو، ۱۶۹ «سفیان عن یونس»).

#### پ) قصه‌گرایی خراسانیها

منطقه ایران، خاصه خراسان و ماوراء النهر از حوزه‌هایی بود که قُصاص فراوانی در آن جای داشتند. شاید نخستین و مشهورترین قُصاص خراسانی، عطاء بن یسار (م ۱۰۳ق) مشهور به عطاء خراسانی باشد (صنعانی، ۳/ ۲۲۰). از دیگر قصص‌گویان مشهور این منطقه می‌توان به مقاتل بن سلیمان خراسانی (د ۱۵۰ق) مفسر مشهور (برای شرح حال وی، رک: ابن عدی، ۶/ ۴۳۵-۴۳۸)، یا فرزند خوانده‌اش ابوعصمه نوح بن

ابی مریم مروزی (د ۱۷۳ق) — قاضی شهر مرو (مزّی، ۳۰ / ۶۰) — اشاره کرد. برخی از این قُصّاص نیز شیعه بودند؛ از جمله قُتیبَة بن احمد (د ۳۱۶ ق) — معروف به ابوحفص بخاری — که ساکن شهر نَسَف، و صاحب اثری مطوّل در تفسیر قرآن بوده است (ذهبی، سیر، ۲۳ / ۵۲۰)؛ یا مثلاً، نَهْشَل بن سعید — مشهور به ابو عبدالله قاص — که یک نیشابوری بصری الاصل بود (مزّی، ۳۰ / ۳۲).

نکته شایان توجه آن است که بسیاری از قُصّاص بومهای دیگر نیز، تباری خراسانی داشته‌اند؛ شاید از آن رو که قُصّاص معمولاً از جانب حکومت‌های وقت، و از اشخاصی با تبار عربی انتخاب می‌شدند (رک: ابن ابی عاصم، ۱۰۳) و چون خراسان بومی مهاجرپذیر بود، این قبیل اشخاص در خراسان بیش‌تر بودند. برای تنها یک نمونه از این قبیل، می‌توان منصور به عَمّار، قاص مشهور بصره را یاد کرد که در اصل از مردمان مرو است (رک: ابن حبان، ۹ / ۱۷۰؛ برای تفصیل بحث در باره پیشینه قصص در فرهنگ اسلامی و کارکردهای آن، رک: میرحسینی، سراسر هر دو مقاله).

با مروری بر کتاب الزهد ابن مبارک آشکار می‌شود که وی به روایات این قصاص نیز نظر داشته، و از اندیشه ایشان هم تأثر پذیرفته است. از میان شخصیت‌های متعددی در این میان، می‌توان به روایات وی از عطاء بن یسار (ابن مبارک، ۳۲۲)، عَمْر بن ذَرّ (همو، ۱۲۵؛ نیز، برای وی، رک: ذهبی، سیر، ۶ / ۳۸۵)، و عبید الله بن زحر (ابن مبارک، ۴۳؛ نیز رک: ذهبی، میزان، ۳ / ۶-۷) اشاره کرد.

### ت) دیگر مکاتب

افزون بر مکاتب یاد شده، می‌توان رگه‌هایی از تأثر وی از دیگر اندیشه‌ها و مکاتب رایج در سده ۲ق را نیز در کتاب الزهد وی باز یافت. از جمله، ابن مبارک به وضوح از تعالیم زاهدان معرفت‌گرا در بوم بصره و مکه متأثر شده است؛ اندیشه عالمانی مثل ابراهیم ادهم (د ۱۶۲ق) که مقارن حضور ابن مبارک در مکه، وی نیز در آنجا بود (رک:

عطار نیشابوری، ۱۰۴-۱۰۵). وی بر ضرورت تفکر تأکید خاصی داشت؛ اندیشیدن را برتر از کثرت عبادت می‌دانست و از این‌رو، اساس عبادت‌ورزی را معرفت خداوند می‌انگاشت و بدین ترتیب تعبد را بر پایه شناختی نظری قرار می‌داد (رک: ابونعیم، ۵-۷؛ نیز رک: مجتبیایی، سراسر اثر).

دیگر عالمان بوم مکه همچون عبدالعزیز بن ابی‌رواد (د ۱۵۹ق) نیز، مروج اندیشه‌هایی مشابه بودند. عبدالعزیز بن ابی‌رواد معرفت خداوند را اساس دین می‌شمرد (ابن سعد، ۵/۳۶۲؛ ابونعیم، ۸/۵۹؛ برای روایات ابن مبارک از وی، رک: ابن مبارک، ۲۸، ۷۴، جم). نمونه دیگر، دوست و معاصر ابن مبارک، فضیل بن عیاض است (برای رابطه صمیمانه ابن مبارک با فضیل و وابستگی مالی فضیل به وی، رک: ذهبی، سیر، ۸/۴۴۲). وی معتقد بود خوف خدا در دل هر کس به اندازه دانایی او ست و کسی به رضای خدا مُحَقَّق تر است که او را بیش‌تر بشناسد (سلمی، ۳۶۹).

این گونه تأکید بر جایگاه معرفت و آگاهی در عبادت، اختصاص به عالمان مکه نداشت و زاهدان اهل رجا بصره همچون مالک بن دینار نیز، که ابن مبارک پیش‌تر از عالمان مکه با ایشان آشنا شده بود، بر این تأکید می‌کردند که معرفت خدا، مهم‌ترین اشتغال نفس است (برای اندیشه مالک، رک: ابونعیم، ۸/۲۳).

در خصوص اندیشه‌های اجتماعی و گرایش به جهاد، امر به معروف و دیگر کوشش‌های فرافردی، به نظر می‌رسد ابن مبارک بیش از هر مکتب دیگری متأثر از تعالیم اوزاعی، استاد شامی خویش باشد؛ استادی که تنها در کتاب *الزهد*، ۴۵ بار از وی روایت کرده است (ص ۲۳، ۲۴، ۳۲، جم). اندیشه اخلاقی عبدالرحمان اوزاعی، فقیه نامدار شام، دو بُعد فردی و اجتماعی را دربر می‌گرفت. وی در بُعد فردی بر ورع تکیه می‌ورزید و در بعد اجتماعی، بر کوشش برای اصلاح جامعه تأکید می‌کرد. بخش عمده نوشته‌های بر جای مانده از او موعظه‌هایی بی‌پرده خطاب به خلیفه منصور دوانیقی و



دیگر فرمانروایان است (رک: ابن ابی حاتم، ۱/ ۱۰۷-۱۰۸؛ ابونعیم، ۱/ ۳۵-۴۰). لازم به ذکر است که در آن زمان، جهان اسلام درگیر جنگی طولانی با مسیحیان بیزانس بود. از همین رو، بسیاری از زاهدان — همچون خود ابن مبارک — در تُغور شام که منطقه‌ای جهادی بود، حضور داشتند و به مبارزه و جهاد می‌پرداختند. ابن مبارک اثری با عنوان کتاب *الجهاد* نوشت (چ تونس، الدار التونسية للنشر، ۱۹۷۲م، به کوشش نزیه حمّاد) و در آن کوشید مجموعه‌ای از روایات پیامبر اکرم (ص) و آثار صحابه و تابعین را در خصوص فضیلت جهاد گردآوری نماید، به‌وضوح نمایانگر گرایش وی به همین اندیشه‌هاست (برای تفصیل بحث، رک: پاکتچی، *جوامع حدیثی اهل سنت*، ۱/ ۸۲).

#### ۴. پی‌جویی این رویکردها در کتاب *الزهد*

اکنون با شناختی که از محیط فرهنگی حیات ابن مبارک پیدا کرده‌ایم، به‌سادگی می‌توانیم در مرور کتاب *الزهد* وی رگه‌های هر یک از اندیشه‌های فوق را بازشناسیم.

##### الف) خوف و رجا

با مرور کتاب *الزهد* آشکار می‌شود که ابن مبارک از طرفی تحت تأثیر آموزه‌های مکتب خوف‌گرایی بصره بوده، و از طرفی دیگر، با پیروان مکتب اهل رجا بصره و شاگردان حسن بصری نیز تعامل فکری داشته، و از آنها اثر پذیرفته است. از همین رو، در کتاب *الزهد* وی جهت‌گیری‌هایی دیده می‌شود که می‌توانشان شیوه‌ای جمع میان تعالیم این هر دو مکتب تلقی کرد.

وی از یک سو بابتی تحت عنوان «ذِکْرُ رَحْمَةِ اللَّهِ» می‌گشاید و از لزوم امیدواری به رحمت خداوند می‌گوید. از دیگر سو، با آوردن بابهایی همچون «ما جاء فی تخویفِ عَوَاقِبِ الذُّنُوبِ»، «ما جاء فی الحُزْنِ وَ البُکَاءِ»، «ما جاء فی الخُشُوعِ وَ الخَوْفِ»، یا «الهُرَبُ مِنْ

الخطایا و الذنوب» در پی آن است که بر ضرورت خوف از خدا هم اصرار ورزد. آنچه را نیز که وجوه اشتراک این دو مکتب بومی بصره است می‌توان در آثار ابن مبارک پی جست. برای نمونه، تکیه بر لزوم دنیا پرهیزی از تعالیم مشترک در مکاتب زهد عراقی است. عمده این مکاتب دنیاپرهیزی را همچون اصلی‌ترین شیوه طاعت خدا بازنمایانده‌اند. همین سوگیری را در سراسر کتاب *الزهد* ابن مبارک نیز می‌توان دنبال کرد.

### ب) تفکر و معرفت

یک ویژگی مهم کتاب *الزهد* ابن مبارک، توجه به رابطه معرفت خدا با سلوک اخلاقی است. به نظر می‌رسد نگرشهای وی در این باره، لزوماً بازتاب آرای پیشینیان وی نباشد. بااینحال، رگه‌هایی از رویکرد وی را می‌توان در آرای منتسب به استادان وی نیز بازشناخت. چنان که پیش از این هم اشاره شد، این اندیشه‌ها در محیط فرهنگی مکه نشو و نما داشت.

از شواهد رویکرد ابن مبارک به تفکر همچون شیوه‌ای ضروری برای زندگی زاهدانه، بابی است در کتاب *الزهد* با عنوان «الاعتبار و التفکر» (ابن مبارک، ۹۵). ابن مبارک در آن به بحث در باره ارزش تفکر، خاصه تفکری که به عبرت‌آموزی بینجامد، پرداخته است. او با نقل حکمت‌هایی از عیسی (ع) یا برخی صحابه همچون ابودرداء، ابن عباس، محمد بن کعب قرظی، و حسن بصری کوشیده است نشان دهد که چنین تفکری از هر عبادتی برتر است. این همان اندیشه‌ای است که در آرای معاصر وی ابراهیم ادهم و حلقه نزدیکان مکی وی نیز دیده می‌شود (رک: مجتبیایی، ۴۰۳).

### پ) رویکرد اجتماعی

چنان که پیش از این اشاره شد (فصل ۳- الف)، یک پایه اصلی کتاب *الزهد* ابن مبارک بر روایاتی استوار است که مؤلف از استاد کوفی خویش سفیان ثوری نقل می‌کند؛ چنان که می‌توان گفت ثوری نقش محوری را در تأمین منابع نقلی زهد وی

داشته است. ویژگی بارز اندیشه اخلاقی ثوری نیز — چنان که یاد شد — آمیختن زهد با دغدغه‌های اجتماعی بود؛ این که برای سلوک اخلاقی همان قدر که در زندگی فردی زهد لازم است، مشارکتهای اصلاح طلبانه اجتماعی هم ضروری است (رک: همانجا).

ردّ این اصلاح طلبی اجتماعی را می‌توان در آثار و آرای ابن مبارک نیز پی گرفت. بخش قابل توجهی از کتاب *الزهد* به بحث در باره آن دسته از رفتارها و صفات اخلاقی اختصاص دارد که کارکرد و جلوه‌ای اجتماعی دارند؛ صفاتی همچون حفظ زبان، تواضع، ریاکاری، احسان به یتیمان، صدقه، دوری از بخل، دروغ، و آشتی دادن دیگران. بی‌تردید وی در این رویکرد اجتماعی متأثر از ثوری است.

دیگر نمونه بارز این تأثیر، کوشش وی برای ارائه متنی قابل استفاده برای عموم است؛ امری که اصلی‌ترین دغدغه اصلاح‌گران اجتماعی است. شیوه غالب در کتاب *الزهد*، یادکرد حکایات و داستانهایی کوتاه یا مفصل از حیات صحابه و تابعین است؛ حکایاتی همچون توبه داوود نبی (ع)، خشوع سلیمان (ع)، داستان اویس قرنی، یا هر چه از این قبیل. گویی مؤلف می‌خواهد اندیشه اخلاقی منظور خود را در قالب داستان‌پردازی ترویج کند؛ چنان که برای عامه مفید باشد.

شاید حتی بتوان احتمال دانست که وی کوشیده است اثری مطلوب قُصّاص و قابل استفاده برای ایشان پدید آورد. باری، در این شیوه می‌توان به وضوح از یک سو تأثر وی از اندیشه اصلاح طلبانه استادانی همچون ابن مبارک را دید و از دیگر سو، بازتاب شیوه قُصّاص را؛ قُصّاصی که در زادبوم وی فعالیت‌هایی گسترده داشتند.

سرآخر، حضور ابن مبارک در منطقه شام و بهره‌گیری از استادان شامی و جهادگرایی آنها، وی را فراتر از اندیشه اصلاح طلبانه ثوری، همسو با اوزاعی به جهادگرایی نیز کشانده است. بدین سان، وی افزون بر تألیف اثری در باره فضیلت جهاد، ضمن کتاب *الزهد* نیز بر ضرورت آن تأکید می‌ورزد و آن را همچون شیوه مشارکت

اجتماعی گرایندگان به زهد بازمی‌نمایند (برای نمونه، رک: ابن مبارک، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۷۲).

### نتیجه

در این مطالعه گرایش ابن مبارک به زهد همچون نظامی برای سلوک اخلاقی را بازشناختیم. چنان که دیدیم، زهد نیز در عصر حیات ابن مبارک، همچون همه دیگر شیوه‌های سلوک و معارف رایج در فرهنگ اسلامی، صبغه‌ای بومی داشت و گرچه در بومهای مختلفی همچون کوفه، بصره و شام ترویج می‌شد، رویکردها بدان در این بومها متمایز بود. این میان، ابن مبارک توانست با فراگیری تعالیم زاهدانه بومهای مختلف و تلفیق آنها، اندیشه‌ای فرابومی پدید آورد. بدین سان، متأثر از کوششهای نظری وی، همزمان با شکل‌گیری مکاتب فرابومی در زمینه معارفی همچون فقه، کلام، ادبیات و جز آنها، و البته تا حدود زیادی مقدم بر همه آنها یک مکتب فرابومی زهد شکل گرفت؛ مکتبی که در کتاب *الزهد* ابن مبارک جلوه‌گر شده است.

## منابع

- ۱- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، *الجرح و التعديل*، حیدرآباد دکن، مطبعة دار المعارف العثمانية، ۱۳۷۱ق/ ۱۹۵۲م.
- ۲- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، *المصنف*، به کوشش سعید لَحَام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۸م.
- ۳- ابن ابی عاصم شیبانی، احمد بن عمرو، *المذکر و التذکیر و الذکر*، به کوشش خالد بن قاسم رَدَّادِی، ریاض، دار المنار، ۱۴۱۳ق.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش/ ۱۴۰۳ق.
- ۵- ابن جعد، علی، *المسند*، به کوشش عامر احمد حیدر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.
- ۶- ابن حبان، محمد، *الثقات*، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف العثمانية، ۱۴۰۱ق/ ۱۹۸۱م.
- ۷- ابن سعد، محمد، *الطبقات*، به کوشش احسان عباس، بیروت، دار صادر.
- ۸- ابن عدی، عبدالله، *الکامل*، به کوشش یحیی مختار غزوی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۸م.
- ۹- ابن عساکر، علی بن حسن، *تاریخ مدینة دمشق*، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- ابن ماجه، محمد بن یزید، *السنن*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۵۲-۱۹۵۳م.

- ۱۱- ابن مبارک، عبدالله، *الزهده*، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق/ ۲۰۰۴م.
- ۱۲- ابن مسکویه، *الحکمة الخالدة*، به کوشش عبدالرحمان بدوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ق.
- ۱۳- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، به کوشش رضا تجدد، تهران، کتابخانه مروی، ۱۳۵۰ش.
- ۱۴- ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، *حلیة الاولیاء*، قاهره، مطبعة السعادة، ۱۳۹۴ق/ ۱۹۷۴م.
- ۱۵- احمد بن حنبل، *الزهده*، قاهره، دار الریان للتراث، ۱۴۰۸ق.
- ۱۶- اعظمی، حبیب الرحمان، مقدمه بر کتاب *الزهده* ابن مبارک (رک: هم).
- ۱۷- بخاری، محمد بن اسماعیل، *الجامع الصحیح*، استانبول، دار الطباعة العامره، ۱۳۱۵ق.
- ۱۸- پاکتچی، احمد، «اخلاق دینی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد هفتم، تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۱۹- \_\_\_\_\_ «اوزاعی»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد دهم، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۲۰- \_\_\_\_\_ «تصوف در بصره»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد دوازدهم، تهران، ۱۳۸۳ش.
- ۲۱- \_\_\_\_\_ «توریه»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد هفدهم، تهران، ۱۳۸۸ش.

- ۲۲- \_\_\_\_\_ جوامع حدیثی اهل سنت، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲ ش.
- ۲۳- \_\_\_\_\_ جریانهای تصوف در آسیای مرکزی، تهران، الهدی، ۱۳۹۲ ش.
- ۲۴- ترمذی، محمد بن عیسی، السنن، به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران، قاهره، مکتبه المصطفی البابی الحلبي، ۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷۵ م.
- ۲۵- ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعيب ارتووط و دیگران، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م.
- ۲۶- \_\_\_\_\_ تذکره الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق/ ۱۹۹۸ م.
- ۲۷- \_\_\_\_\_ میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۳ م.
- ۲۸- زمخشری، محمود بن عمر، المستقصی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق.
- ۲۹- سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، به کوشش خلیل محیی الدین میس، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۰ م.
- ۳۰- سزگین، فؤاد، تاریخ التراث العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی و دیگران، باز نشر قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۱۲ ق.
- ۳۱- سلمی، محمد بن حسین، التفسیر، به کوشش سید عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۱ م.
- ۳۲- شمس، محمد جواد، «حسن بصری»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم

- موسوی بجنوردی، جلد بیستم، تهران، ۱۳۹۱ش.
- ۳۳- صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *المصنف*، به کوشش حبیب الرحمان اعظمی، بیروت، المكتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ۳۴- طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج*، به کوشش محمد باقر خراسان، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق/۱۹۶۶م.
- ۳۵- عبادی، محمد بن احمد، *طبقات الفقهاء الشافعية*، به کوشش گوستاو ویتستام، لیدن، بریل، ۱۹۶۴م.
- ۳۶- عبادی، منصور بن اردشیر، *مناقب الصوفية*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران، منوچهری، ۱۳۶۲ش.
- ۳۷- عرفانیان، غلامرضا، مقدمه بر کتاب *الزهد حسین بن سعید اهوازی*، قم، المطبعة العلمية، ۱۳۹۹ق.
- ۳۸- عطار نیشابوری، محمد بن ابراهیم، *تذکرة الاولیاء*، به کوشش محمد استعلامی، تهران، زوار، ۱۳۶۶ق.
- ۳۹- حاج منوچهری، فرامرز، «حسن بصری»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد بیستم، تهران، ۱۳۹۱ش.
- ۴۰- عبدالباقی، محمد فؤاد، مقدمه بر *الموطأ مالک بن انس*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۵م.
- ۴۱- فرید، احمد، مقدمه بر کتاب *الزهد عبدالله بن مبارک*، ریاض، دار المعراج الدولية للنشر، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.
- ۴۲- گذشته، ناصر، «ابن سیرین»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم



- موسوی بجنوردی، جلد سوم، تهران، ۱۳۶۹ش.
- ۴۳- مالک بن انس، *الموطأ*، به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۰ق.
- ۴۴- مایل هروی، نجیب، «ابن مبارک»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد چهارم، تهران، ۱۳۷۰ش.
- ۴۵- مجتبیایی، فتح الله، «ابراهیم ادهم»، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، جلد دوم تهران، ۱۳۶۸ش.
- ۴۶- مروزی، محمد بن نصر، *اختلاف العلماء*، به کوشش صبحی سامرای، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۶ق.
- ۴۷- مزی، یوسف بن عبدالرحمان، *تهذیب الکمال*، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۰ق / ۱۹۸۰م.
- ۴۸- مسلم بن حجاج، *الصحيح*، بیروت، دار الفکر.
- ۴۹- مهمان نواز، علی، *روایات در متون متصوفه از قرن دوم تا هفتم در خراسان: مبانی، گونه‌شناسی و جریانهای دینی اثرگذار*، پایان‌نامه دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده‌الاهیات واحد علوم و تحقیقات تهران، ۱۳۹۵ش.
- ۵۰- میرحسینی، یحیی، «بازشناسی شخصیت و رفتار اجتماعی قُصاص»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، شم ۲۲، پائیز و زمستان ۱۳۹۴ش.
- ۵۱- \_\_\_\_\_ «کارکرد اجتماعی حرفه قصص در سده‌های نخستین اسلامی: کوششی برای تحلیل زبان‌شناسانه تاریخ یک انگاره»، *صحیفه مبین*،

- شم ٥٦، سال بیستم، پائیز و زمستان ١٣٩٣ ش.
- ٥٢- نصر بن مزاحم، وقعة صفین، به كوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، المؤسسة العربية الحديثة للطبع والنشر والتوزيع، ١٣٨٢ ق.
- ٥٣- نووی، يحيى بن شرف، تهذيب الاسماء واللغات، قاهره اداره الطباعة المنيرية، ١٩٢٧ م.
- ٥٤- هجویری، علی بن عثمان، كشف المحجوب، به كوشش والنتین ژوكوفسكى، لنینگراد، دار العلوم، ١٩٢٦ م / ١٣٠٤ ق.
- 55- Raddatz, H. P., "Sufyān al-Thawrī," *Encyclopedia of Islam*, 2<sup>nd</sup> ed., vol. IX, Leiden, Brill, 1997.
- 56- Robson, J., "Ibn al-Mubārak," *Encyclopedia of Islam*, 2<sup>nd</sup> ed., vol. III, Leiden, Brill, 1986.